

الدراسة و النقد لحد القذف في المعطيات الإلكترونية من وجهة نظر المذاهب الخمسة

* حسين جاور*

** مريم خادمي**

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠١/١٥ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٣/٣٠ هـ ش]

ملخص القول

المعرفة الحالية بتنفيذ حد القذف بشكل التحريرى و المعطيات الالكترونية كانت من المباحث التى فيها ابهامات متعددة. لانّ الحقول الفقهية لهذا الحدّ و كيفية اثباته فيها ترديد و التشكيك جداً. فلهذا نحن نحلل حد القذف فى وجهة نظر المذاهب الخمسه باسلوب التوصيف و التحليل.

فى الابتداء نتبين اصل المسئلة بتقديم تعريف القذف ثمّ نشير الى انواع القذف الكتابية و الالكترونية. و لحصول الغرض، نحلل الشرائط المرتبطة بالقذف و القاذف و المقدوف؛ ثمّ نتعرض بكيفية اثبات القذف بنحو التحريرى و الالكترونى و فى الانتهاء تثبت أنّه لايجوز تعميم حكم القذف بنحو الكتبي و الالكترونى الى غيره لانّ الاصل فى القذف، موضوعية استعمال اللفظ المشتمل على القذف. و كذلك لايمكن اجراء حكم القذف فى المعطيات الالكترونية لايجاد مشابهتها فى الاسناد و الانتساب بالفرد المقدوف بقاعدة الدرء. على أنّه لم تثبت الشهادة على المعطيات الالكترونية فى نظام الحقوقى و القضائى فى بلد الايران. فللايمكن اثبات القذف من هذه الجهة و لكن اثبات التعزير للقاذفين بمكان من الامكان.

البتة، راي المذاهب الاسلاميه لا يكون مساوياً فى مصاديق حدالقذف و لكن لاتفاق رايهم فى بعض المصاديق كالزنا و السرقة و القذف و الشرب الخمر و المحاربة، نعتقد بانّ ما يثبت فى هذا التحقيق مرتبطة بالمذاهب الخمسة. لانّ رايهم فى حدالقذف كان واحداً.

كلمات مفتاحية: حدالقذف؛ شرائط القذف؛ القذف الكتابي؛ القذف الالكترونى؛ طرق اثبات القذف؛ المذاهب الخمسة.

* الاستاذ المساعد لفرع فقه و حقوق الاسلاميه، برديس فارابى فى جامعة طهران.

** طالبة الدكتوراه لفرع الدراسات المقارنة المذاهب الاسلاميه، جامعة الاديان و المذاهب (الكاتب المسئول)

بررسی و نقد حد قذف در داده‌های الکترونیکی از دیدگاه مذاهب خمس

حسین جاوید*

مریم خادمی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰]

چکیده

جاری دانسته شدن حد در قذف به شیوه کتبی و در داده‌های الکترونیکی مقوله‌ای است که ابهامات چندی دارد. هم پیش‌زمینه‌های فقهی این مسئله مبهم است و هم چگونگی اثبات این حد در مقوله‌های یادشده محل تردید واقع شده است. از این‌رو با برگزیدن روش تحلیلی-توصیفی امکان جاری کردن چنین حدی از نظر مذاهب خمس را بررسی می‌کنیم. ابتدا با تعریف قذف و فلسفه جاری بر آن اصل مسئله را روشن می‌کنیم. سپس به انواع قذف کتبی و قذف به شیوه الکترونیکی اشاره می‌کنیم. بدین‌منظور شرایط سه‌گانه مطرح در این زمینه را که مربوط به قذف، شرایط قاذف و مقذوف است می‌کاوییم. پس از آن به چگونگی اثبات قذف به صورت کتبی و الکترونیکی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم حکم قذف را در جاهایی که این عمل کتباً یا با استفاده از رسانه مجازی تحقق یافته باشد نمی‌توان به آسانی تعمیم داد. زیرا اصل در قذف، موضوعیت داشتن کاربرد لفظ دارای محتوای قذف است. همچنین، در عرصه داده‌های الکترونیکی به دلیل شبهات متعددی که در استناددهی و انتساب به شخص مقذوف ایجاد می‌شود با اطلاق قاعده درء امکان اجرای قذف وجود ندارد و شهادت بر داده الکترونیکی در نظام حقوقی و قضایی کشور ما به اثبات نرسیده است و نمی‌توان از این طریق قذف را اثبات کرد اما می‌توان مرتکبان را به تئزیر محکوم کرد. البته دیدگاه مذاهب گوناگون درباره مصادیق حد یکسان نیست، ولی چون درباره برخی مصادیق مانند زنا، سرقت، قذف، شرب خمر و محاربه اتفاق نظر وجود دارد، معتقدیم آنچه در این تحقیق اثبات می‌شود مربوط به مذاهب خمس است. زیرا درباره حد قذف در مذاهب پنج‌گانه اتفاق نظر وجود دارد. کلیدواژه‌ها: حد قذف، شرایط قذف، کتبی بودن قذف، قذف به شیوه الکترونیکی، طرق اثبات قذف، مذاهب خمس.

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) khademi90@ut.ac.ir

مقدمه

انسان در حیات اجتماعی خود با پدیده‌های مجرمانه مختلفی روبه‌رو می‌شود. برخی از این پدیده‌ها مستقیماً بر جان وی تأثیر می‌گذارند و برخی فقط بعد معنوی وی را تخریب می‌کنند. در این میان، قذف از جمله جرایمی است که به‌شدت می‌تواند آرام‌رویی و حیثیتی برای افراد ایجاد کند. ابن‌ادریس می‌گوید: «الاحلاف بین الامة ان القذف محرّم»^۱ «در میان امت اسلامی اجماع است که قذف حرام است». ابن‌قدامة، از فقهای اهل سنت، نیز می‌گوید: «القذف محرّم به اجماع الامة والاصل فی تحریمه الكتاب والسنة»^۲ «به اتفاق امت اسلامی قذف حرام است و اصل در تحریم آن در قرآن و سنت پیامبر است». بنابراین، از نظر حکم تکلیفی، تردیدی در حرمت قذف از نظر مذاهب نیست.

برد منفی افکار جمعی درباره شخصی که قذف می‌شود تا حدی است که ممکن است جایگاه اجتماعی‌اش به‌شدت متزلزل شود و با مشکلات جدی مواجه گردد. نکته در خور تأمل در این زمینه، به رسمیت شناخته‌شدن امکان تحقق قذف در داده‌های الکترونیکی و به شکل نوشتاری است که در سال ۱۳۹۲، مقنن جمهوری اسلامی ایران در قانون مجازات اسلامی ذیل تبصره ماده ۲۴۶ آورده است: «قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود». این در حالی است که جای بررسی دارد که آیا چنین رویکردی سابقه اسلامی دارد یا خیر. زیرا اگر نتوان سابقه اسلامی چنین تسری مجرمانه‌ای را در قذف به اثبات رسانید با مسئله توسعه در حدود روبه‌رو خواهیم بود که با عنایت به تغییرناپذیر بودن حدود الهی با تعارضات آشکاری در قانون مواجه می‌شویم و قضات نیز در برابر اعمال قانون یا استنادکردن به شرع مبین اسلام با تضادهای جدی روبه‌رو می‌شوند؛ این در صورتی است که حتی اگر بتوانیم بپذیریم که حد از طریق کتبی و به شیوه الکترونیکی نیز تحقق‌پذیر است لازم می‌آید به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چنین قذفی چگونه به اثبات خواهد رسید. اگر

۱. ابن‌ادریس الحلّی، محمد ابن‌احمد، السرائر، ص ۵۱۵، به نقل از: بطحائی گلپایگانی، سید هاشم،

«قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.

۲. ابن‌قدامة، عبدالله ابن‌احمد، المغنی، ص ۲۱۵.

شهادت به عنوان یکی از راه‌های اثبات قذف محل عنایت حضرت حق است باید مشخص شود منظور از شاهد چه کسی می‌تواند باشد. آیا اسناد الکترونیکی می‌تواند به منزله اقرار در نظر گرفته شود؟ تفاوت اقرار در مقابل قاضی با اقرار به شیوه امارات قضایی که در محکمه به آن استناد می‌شود در چیست؟ اینها فقط برخی از دغدغه‌هایی است که نویسنده کوشیده است در این نوشتار به پاسخ مناسبی برای حل تعارضات به وجود آمده دست یابد. این ضرورت بیشتر زمانی خودش را نشان می‌دهد که بدانیم در آستانه اتمام دوره آزمایشی قانون یادشده قرار داریم و آرای قضایی متعدد صادر شده در این زمینه تا کنون، نشان می‌دهد افزایش چشمگیری در جرائم حدی داشته‌ایم که خود از معضلات بی‌شائبه در محیط اجتماعی یاد می‌کند که نیاز به رسیدگی مضاعف دارد و امید است بتوانیم برای آن راهکار مناسبی عرضه کنیم.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد برخی از تحقیقات عملی در این حوزه پیش‌تر به انجام رسیده است. مثلاً پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ تحت عنوان «بررسی مبانی فقهی تغییرات ناظر به بزه قذف در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» در دانشگاه قم انجام شد^۱ نشان می‌دهد نویسنده برداشتی آزاد و همسو با رویه قانون‌گذار داشته و با تکیه بر برخی دیدگاه‌های غیرمشهور بر حقانیت قذف به شیوه الکترونیکی و ثبوت حد به واسطه علم قاضی رأی مثبت داده است. شبیه همین دیدگاه در اثر دیگری در سال ۱۳۹۳ تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی نظرات غیرمشهور فقها در باب حدود و قصاص» دیده می‌شود. طبق دیدگاه این نویسنده، ظاهراً می‌توان با استناد به دیدگاه‌های فقهی برخی از فقها، دامنه حدود را در این عرصه توسعه بخشید.^۲ به طور کلی، پژوهش‌هایی که در ایران در این عرصه عموماً وارد شده، کوشیده است رویکرد قانون‌گذار را از نظر شرعی تأیید کند.

۱. صبأغی دهکلانی، داوود، بررسی مبانی فقهی تغییرات ناظر به بزه قذف در قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲، ص ۹۰-۹۶.

۲. مرادزاده، احسان، بررسی فقهی و حقوقی نظرات غیرمشهور فقها در باب حدود و قصاص، ص ۸۷-۹۰.

صرف نظر از آنچه باعث چنین رویکردی می‌شود دیدگاه حقوقدانان مصری در این باره جالب است. در سال ۲۰۰۶ قانون عقوبات مصر ذیل ماده ۳۰۲ و ۳۰۶ به بررسی جرم قذف به شیوه الکترونیکی پرداخت^۱ و از همان زمان به بعد نیز تحقیقاتی در این زمینه وارد شد، ولی این حقوقدانان با ظرافت خاصی مجازات قذف به شیوه الکترونیکی را پرداخت غرامت مالی تعیین کرده‌اند نه مجازات شلاق حدی، که این مسئله خود نشان از توجه ایشان به مقوله نوظهوری دارد که در این حوزه وارد شده است. اما اگر بنا بر آن باشد که ثبوت حد در قذف را بررسی کنیم شاید بتوان ریشه‌های مجازات حدی قذف را در عهد قدیم یافت؛ تحقیقات انجام‌شده در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که بسیاری از حدود، مانند سرقت، زنا و قذف، ابتدا و پیش از اسلام ریشه در عهد قدیم دارد که در اسلام رویکرد تقریباً جدیدتری به خود گرفته است،^۲ اما قدر متیقن آن است که بحث درباره قذف به شیوه کتبی و الکترونیکی از جمله مسائل نوظهوری است که از آغاز آن هنوز بیش از یک دهه نگذشته است. در ادامه می‌کوشیم برای فهم بیشتر این مسئله بحث بیشتری برخلاف رویه‌های موجود داشته باشیم.

تعریف

«قذف» در لغت به معنای انداختن و پرت کردن آمده است.^۳ همچنین، در معنای سنگ‌انداختن و به بدی نسبت دادن و قی کردن نیز به کار رفته است.^۴ راغب می‌گوید قذف یعنی به جای دور پرت کردن و به اعتبار همین دوری است که به مکان‌های دور «منزل قذف» می‌گویند. ابن منظور نیز معتقد است قذف عبارت است از انداختن تیر و ریگ و سخن به هر چیز دیگر.^۵

۱. هاشم، ۲۰۱۳، به نقل از: <http://www.ebadalrehman.com/t1380-topic>

۲. کوهی، بهزاد، مقایسه حدود سرقت، زنا و قذف در قرآن و عهد قدیم، ص ۱۲۶-۱۲۸.

۳. طوسی، محمد بن حسن، المعجم الفقهی لکتب الشیخ الطوسی، ج ۲، ص ۶۶.

۴. معین، محمد، فرهنگ معین، ذیل واژه «قذف».

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۳، ص ۱۵۱-۱۵۲.

تعریف اصطلاحی

از منظر اصطلاحی، قذف را به معنای نسبت دادن به زنا و لواط به شخص دیگری می‌دانند.^۱ برخی نیز معتقدند قذف در اصطلاح به معنای نسبت دادن هر فعل حدی اعم از سرقت، قتل، زنا و ... است که ممکن است شخص آن را مرتکب شده باشد. ابن قدامه، از فقهای اهل سنت، نیز می‌گوید: «القذف هو الرمی بالزنا».^۲ و^۱ در حقیقت وقتی فردی قذف می‌شود^۳ شخصیتش در معرض هجوم و تخریب قرار می‌گیرد و آبرویش نیز ترور شده محسوب می‌شود؛^۴ قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به تأسی از همان باوری که در اصطلاح راجع به این جرم وجود دارد، ذیل ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قذف را این‌گونه تعریف کرده است: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد»؛ صرف نظر از ایراد اساسی که به بخش دوم تعریف یادشده (هرچند مرده باشد) وارد می‌شود، به اجمال می‌توان قذف را همان نسبت دادن زنا و لواط به شخص دیگر دانست.

فلسفه مجازات در قذف

برای آنکه مشخص شود به چه علتی فرد مرتکب قذف را باید مجازات کرد لازم است از منظر فلسفی درستی‌اش را اثبات کنیم. به نظر می‌رسد از منظر شرعی فلسفه حدود برای بقای نظام اجتماعی و حفظ مصالح پنج‌گانه دین، عقل، نفس، مال و نسل است؛ و به طور خاص در خصوص قذف، بر اساس برخی از دیدگاه‌ها، فلسفه مجازات عبارت خواهد بود از:

۱. همان؛ ابن عبد الله الحنبلی، ابو إسحاق برهان الدین بن محمد، المبدع فی شرح المقنن، ص ۹۰-۹۲؛ الجنکی الشنقیطی، محمد الأمين بن محمد بن المختار، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ص ۴۳۰؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ص ۴۳؛ عاملی، یاسین عیسی، الاصلاحات فی الرسائل العلمیة، ص ۲۶۷.
۲. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، المغنی، ص ۲۱۵؛ صدر، محمد، ماوراء الفقه، ص ۲۸۴.
۳. عثمان، آمال عبدالرحیم، «جریمة القذف»، ص ۷۳۷-۸۴۸.
۴. حسنی، علی اکبر، «حد قذف ترور شخص یا ترور شخصیت»، ص ۵۶-۶۰.

۱. حفظ آبرو و حیثیت انسان‌ها؛ ۲. جلوگیری از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی؛ چراکه اگر افراد فاسد آزاد باشند، و هر دشنام و هر نسبت ناروایی که بخواهند به هر کس بدهند، و از مجازات مصون بمانند، حیثیت و نوامیس مردم همواره در معرض خطر قرار می‌گیرد و حتی سبب می‌شود در اثر این تهمت‌های ناروا، همسر به همسر بدبین شود، و پدر در مشروع بودن فرزندش تردید کند!^۱

از این رو چون شخصیت افراد مهم‌ترین سرمایه معنوی و زندگی اشخاص به حساب می‌آید، اسلام در حرمت نهادن به آن نهایت توصیه را کرده و خدشه وارد کردن بر آن را جزء گناهان کبیره دانسته است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۲ بی‌گمان کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه جا] و باایمان نسبت زنا می‌دهند در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آنها عذابی سخت خواهد بود». از نظر قرآن، قذف افراد پاکدامن و عقیف از گناهان کبیره است و از علائم گناهان کبیره آن است که جزای آن آتش جهنم معرفی شود.

هرچند آیه شریفه درباره قذف زنان است و الفاظی که در آن ذکر شده مربوط به آنان است، اما این از جهت تنزیل است؛ از نظر تأویل، مطلب عام است و شامل قذف مردان نیز می‌شود، چنان‌که در روایت آمده است: «ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام فی امرأه قذفت رجلاً قال تجلد ثمانین جلده»^۳ ابوبصیر از امام باقر علیه السلام راجع به زنی که نسبت زنا یا لواط به مردی داده است پرسید و امام فرمود هشتاد تازیانه حد زده می‌شود. پس فرقی ندارد که قاذف و مقذوف مرد باشد یا زن. مهم خود فعل است که از نظر شرعی حرام و ممنوع است.

با در نظر گرفتن چنین رویکردی شاید بتوان گفت در داده‌های الکترونیکی نیز همچنان این مبانی فلسفی برای حفاظت از افراد در برابر قذف وجود دارد. لذا

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ص ۴۰۱.

۲. نور: ۲۳.

۳. حر العاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۲، ص ۴۳۲، به نقل از: محمدی مازندرانی، مسند ابی بصیر، نسخه

می‌توان به قواعد مجازاتی که در این حوزه اعمال می‌شود تمسک جست تا با این عمل مواجهه لازم صورت گیرد،^۱ اما در مقابل باید در نظر داشت که حدود از جمله مصادیقی است که شکل، نوع و ماهیت آنها از جانب شارع مشخص شده است^۲ و غیر از آن طریقی که حضرت حق معین فرموده نمی‌توان هیچ نوع ورودی به این مقوله داشت. در نتیجه از این منظر برای اجرای حد قذف در داده‌های الکترونیکی لازم است تطابق دیدگاه قانونی با دیدگاه شرعی را بررسی کنیم. برای این منظور ابتدا انواع قذف را ذکر می‌کنیم.

انواع قذف

قذف را می‌توان شامل دسته‌بندی‌های خاصی دانست. مثلاً قذف از لحاظ طرفین و در گروه‌های مختلف، مانند قذف والدین علیه فرزندان،^۳ قذف فرزندان علیه والدین، قذف طرفینی،^۴ قذف زوجه از ناحیه زوج،^۵ قذف اشخاص بدون قرابت نسبی و سببی. از نظر دلایل اثبات‌کننده، بنا بر دیدگاه قانون‌گذار، قذف به قذف «لفظی» و «قذف به صورت کتبی»، و «قذف الکترونیکی» تقسیم می‌شود که خود این قذف شامل زیرمجموعه‌هایی همچون قذف از طریق ارتباطات آنلاین (web chat/ voice chat) (قذف از طریق ضبط و ارسال داده‌های صوتی یا تصویری) می‌شود. قذف از لحاظ نوع نسبت نیز می‌تواند به زنا، لواط و ... تقسیم شود. صرف نظر از این انواع تقسیم‌بندی که هر کدام به مناسبت حالت خاصی معین شده‌اند باید توجه داشت که طرق اعمال قذف بسیار مهم‌تر از وقوع خود قذف است. زیرا در مقوله حدود، روش ارتکاب عمل مجرمانه در اصل دعوی موضوعیت دارد نه طریقت. لذا باید مشخص شود وقتی در آیات کلام‌الله مجید و در فقه از قذف یاد می‌شود منظور کدام نوع از قذف است و موضوعیت کدام دسته برای ما به اثبات خواهد رسید. برای این منظور ابتدا شرایط مربوط به قذف را بررسی می‌کنیم و در اثنای آن نشان می‌دهیم هر یک از مصادیق یادشده چگونه می‌تواند در عقاب برای بزه قذف مؤثر باشد.

۱. عبدالجلیل، عیسی، «مصاید الشیطان الثمانية التي قذف بها ضعاف الايمان في قاع جهنم!»، ص ۴۰-۴۵.

شرایط قذف

در قذف، حکم افراد بالغ و عاقل قذف‌کننده با افراد نابالغ متفاوت است. حکم درباره نابالغان تعزیر است، اما درباره بالغان حد است که همان هشتاد تازیانه است. درباره افراد بالغ نیز میان پدر و دیگران فرق است. اگر پدر قاذف باشد حد بر او جاری نمی‌شود بلکه جزای او تعزیر است و دلیل اجرانشدن حد درباره پدر آن است که پدر اصل است و همان‌گونه که در قتل پسر، پدر قصاص نمی‌شود در حد جرائم هم محکوم نمی‌شود، اما به سبب زشتی گفتار و به زبان آوردن چنین نسبت ناروایی تعزیر می‌شود. سند این حکم گذشته از رأی فقها که می‌گویند «لو قذف الاب ولده لم یحدّ و عزّر»^۱ نظر امام (علیه السلام) است که از او پرسیدند اگر پدری فرزند خود را قذف کند حد نمی‌خورد بلکه تعزیر می‌شود، حکم آن چیست؟ و ایشان جواب داد اگر وی را می‌کشت قصاص نمی‌شد و اگر او را قذف کند حد نمی‌خورد.^۲

برای اجرای حکم شرعی قذف باید شرایط خاصی محقق شود. برخی از این شروط مربوط به ماهیت قذف است، اما دیگر شرایط مؤثر در قذف، به قاذف و مقذوف برمی‌گردد. در ادامه ابتدا به شرایط قاذف می‌پردازیم و سپس به شرایط مقذوف خواهیم پرداخت و در نهایت به شرایط ویژه مختص خود قذف اشاره می‌کنیم. در همین مبحث به مقوله قذف کتبی و قذف در داده‌های الکترونیکی نیز نظری خواهیم داشت.

شرایط قاذف^۳

از نظر شرعی، فرد زمانی قاذف شمرده می‌شود که قبل از هر چیز از ماهیت الفاظی که به کار می‌برد اطلاع کافی داشته باشد؛^۳ یعنی بداند الفاظی که به کار می‌برد چه مضمونی دارد. لذا اگر فرد راجع به این مسئله جاهل باشد اساساً قاذف نخواهد بود؛

۱. الحلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵، به نقل از: بطحایی گلیپاگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.

۲. الحر العاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۲، ص ۴۴۹، به نقل از: محمدی مازندرانی، مسند ابی بصیر، نسخه دیجیتال

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ص ۱۷۳.

شرط دوم برای صدق عنوان قاذف، **بلوغ** فردی است که به قذف مبادرت می‌کند.^۱ به عبارت بهتر، اگر فردی که الفاظ محتوای متن قذف را به کار می‌برد صغیر باشد و به سن تکلیف شرعی نرسیده باشد صدق عنوان قاذف بر او از نظر شرعی با ایراد مواجه خواهد بود؛ شرط سوم که به قاذف برمی‌گردد، **عقل و اختیار** است. یعنی اگر فردی از نظر عقلی نتواند تسلطی بر افعال خویش داشته باشد و در اصطلاح مجنون باشد یا آنکه مختارانه قذف نکرده باشد (و به واسطه اکراه یا اجبار یا فریب شخص ثالثی به قذف مبادرت ورزیده باشد) در همه این صور، وی قاذف شمرده نمی‌شود و حکم شرعی حدی بر وی بار نخواهد شد.^۲

تا اینجا برخی از شرایطی بیان شد که مستقیماً به خود قاذف مربوط می‌شود. ولی مسائل دیگری نیز هست که وابستگی عمیقی به شرایط و اوضاع و احوال واقعه دارد. این شرایط که رکن مادی جرم قذف تلقی می‌شود اگر تحقق نیابد اساساً قذفی رخ نخواهد داد که مجازاتی در پی داشته باشد. از جمله:

الف. صراحت در قذف

قذف باید با الفاظی باشد که صراحت در قذف دارد.^۳ یعنی فرد مستقیماً به شخص دیگری نسبت زنا یا لواط داده باشد. اگر صراحت در لفظ وجود ندارد نباید طوری برداشت شود که وی به صورت غیرمستقیم قذف می‌کند. لذا اگر قرینه‌ای در کار باشد که مشخص شود منظور قذف نبوده است حد جاری نمی‌شود.

ب. طرفین یکدیگر را قذف نکرده باشند

اگر فردی در مقابله با شخص دیگری که وی را قذف کرده است مبادرت به قذف کند^۴ مشمول حد نخواهد شد.

۱. عاملی (شهید اول)، محمد ابن مکی، لمعة دمشقیة، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. حیدریان، محمدرضا، «آیات الاحکام (بخش جزا)»، ص ۳۴-۳۸؛ الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الاستبصار، ص ۲۳۰.

۴. عاملی (شهید اول)، محمد ابن مکی، لمعة دمشقیة، ج ۲، ص ۲۳۵.

ج. قذف قابل انتساب به فرد نباشد

اگر شخصی، دیگری را به امری که وی در ظاهر بدان مبادرت می‌ورزد، قذف کند چنین قذفی نمی‌تواند مجازات حدی داشته باشد؛ مثلاً اگر فردی را که متظاهر به زنا است، شخص دیگری به زانی بودن خطاب کند، قاذف دارای مجازات حدی نخواهد بود،^۱ ولی اگر به امری که فرد بدان شهرت ندارد نسبت ناروا دهد، قاذف، مستوجب حد خواهد بود. مثلاً اگر مردی که زناکار است و به زنا تظاهر می‌کند به لاطی بودن متهم شود قذف محقق می‌شود.

د. قذف در زمان عصبانیت^۲ رخ نداده باشد

وقتی افراد در اوضاع و احوال غیرعادی قرار می‌گیرند به صورت ناخودآگاه مبادرت به استعمال الفاظی می‌کنند که در زمان کاربرد آنها قصد فرد زائل می‌شود و توجهی به ماهیت کلمات کاربردی خود ندارد. در این صورت نیز فرد علی‌رغم اینکه مبادرت به قذف می‌کند، مشمول مجازات حدی نمی‌شود.^۲

شرایط مقذوف

از نظر عقلی و شرعی، زمانی می‌توان فردی را مجازات کرد که در برابر کسی مرتکب جرم شده باشد که آن شخص از دید قانون و شرع دارای حرمت‌های نفسانی باشد. در غیر این صورت ارتکاب هر عملی در برابر کسی که شرع و قانون حرمت وی را قابل نقض دانسته‌اند قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود. مقذوف نیز اگر شرایطی مانند عقیف بودن، عاقل بودن، بالغ بودن، مسلمان بودن، و معین بودن، غیرمتظاهر به زنا یا لواط بودن، را نداشته باشد^۳ تعقیب قاذف به دلیل قذف انجام داده شده وجهی نخواهد داشت؛ البته گاهی قذف به صورت غیرمستقیم با الفاظی محقق می‌شود که تصریح در انتساب زنا و لواط به یکی از افراد خانواده شخصی دارد که حرمت‌های شرعی و قانونی درباره آنها

۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة: الحدود، ص ۳۷۱؛ بطحایی

گلبایگانی، سید هاشم، «بزه‌های کیفردار از نظر قرآن مجید»، ص ۵۹-۷۰.

۲. عاملی (شهید اول)، محمد ابن مکی، لمعة دمشقیة، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.

صدق می‌کند، نظیر همسر، پدر و مادر، خواهر یا برادر. در این صورت نیز قذف محقق می‌شود هرچند در خصوص شخصی که انتساب به وی برمی‌گردد قذفی محقق نشده باشد. البته اگر این شخص خواهان رسیدگی قضایی باشد به دلیل ایذاء ناشی از الفاظ به‌کار برده‌شده می‌تواند از باب توهین اقدام لازم را انجام دهد.

نکته مهمی که نباید از آن غافل شد اینکه قذف زمانی قابل تحقق است که فرد مقذوف را به رابطه نامشروع زنا و لواط در حال اکراه و اجبار متهم نکرده باشد.^۱ زیرا این افعال اگر اساساً در حالت اکراه و اجبار انجام شود جرم محسوب نمی‌شود و نسبت دادن آنها نیز قابل مجازات حدی نیست. در نتیجه نمی‌توان این مصادیق را به سبب قذف بودن قابل تعقیب دانست.

با توجه به اینکه قذف از مقوله اضافه، و قائم به دو طرف است، دارای دو رکن و یک ربط است. یک رکن آن قاذف است که وضعیت او بیان شد. رکن دوم مقذوف است که او نیز مانند قاذف شرایطی دارد که با وجدان آن شرایط مستحق مطالبه حدّ قذف از قاذف است. فقها می‌گویند: «ویشرط فيه الاعصان و هو هنا عبارة عن البلوغ و کمال العقل والحریة والاسلام والعفة فمن استكملها وجب بقذفه الحدّ و من فحدها او بعضها فلا حدّ و فيه التعزیر».^۲

لازم است مقذوف، محصن باشد. منظور از احصان در باب قذف آن است که بالغ و عاقل و حرّ و مسلمان و پاکدامن باشد. پس اگر این ویژگی‌ها را داشت، با قذف او، حدّ بر قاذف واجب می‌شود و هر کس فاقد آن اوصاف یا فاقد برخی از آنها باشد حد بر او واجب نیست، بلکه باید تعزیر شود. لزوم وجود اوصاف پنج‌گانه مذکور که موجب حد قاذف می‌شود، در مقذوف محل اتفاق فقهای شیعه و سنی است. ابن رشد می‌گوید: «و اما المقذوف فاتفقوا علی أنّ من شرطه ان یجتمع غیر خمسة اوصاف و هی البلوغ والعقل والحریة والعفاف والاسلام»^۳ راجع به مقذوف، فقها اتفاق نظر دارند که از جمله شرایط مقذوف آن

۱. سعادت، صالح، «نگاهی نو به لعان»، ص ۲۵۰-۲۷۳.

۲. الحلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵، به نقل از: بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.

۳. القرطبی، محمد ابن احمد، الجامع الاحکام القرآن، ص ۴۴۱.

بررسی و نقد حد قذف در داده‌های الکترونیکی از دیدگاه مذاهب خمس / ۱۰۳

است که پنج صفت در او گرد آمده باشد. این پنج صفت عبارت اند از: بلوغ، عقل، حریت، پاکدامنی و اسلام».

ماده ۱۴۶ قانون نیز مطابق رأی فقها تدوین شده است. طبق این ماده، قذف هنگامی موجب حدّ می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد. اگر قذف کننده یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشد، حد ثابت نمی شود.

شرایط قذف

قذف صرف نظر از فردی که ماهیت آن را به کار می برد (قاذف) یا شخصی که آن را تحمل می کند (مقدوف)، شرایطی دارد که اگر رعایت نشود نمی توان از وقوع قذف یاد کرد؛ از جمله مهم ترین شرایطی که مربوط به ماهیت قذف می شود عبارت است از: مصادیق معین در انتساب؛ موضوعیت داشتن کاربرد لفظ؛ موضوعیت داشتن زمان در قذف؛ موضوعیت داشتن مکان در قذف. اگر هر یک از اینها به تمامیت محل توجه قرار نگرفته باشد یا آنکه در آن خللی وارد شود نمی توان به سادگی وقوع بزه قذف را تأیید کرد. در ادامه به بررسی این مصادیق خواهیم پرداخت.

مصادیق معین در انتساب

برای آنکه فردی قذف شود لازم است وی به یکی از دو فعل زنا و لواط منتسب شود. لذا اگر فردی به مساحقه یا تفخیز منتسب شود عملاً مرتکب قذف نشده است، هرچند بنا به برخی از دیدگاه‌ها که قذف را در خصوص تمامی منعیات حدی شرعی در نظر می گیرند کاربرد لفظ قابل انتساب به هر یک از این اعمال نیز مصداق قذف شمرده شده و می تواند دارای مجازات باشد، ولی علی القاعده با در نظر گرفتن اجماع فقه شیعه که قانون مجازات اسلامی نیز بر اساس آن مبادرت به تنظیم مقررات خود کرده است فقط انتساب زنا و لواط به فرد دیگر با در نظر گرفتن قیود دیگری که در این زمینه وجود دارد قذف شمرده می شود.

نحوه اعتبار لفظ در قذف

قبل از هر چیز باید دانست که در احادیث هرگز از کلمه و کلامی استفاده نمی‌شود مگر آنکه بار مفهومی خاصی را به خود اختصاص دهد. درباره احادیث وارد شده در زمینه قذف نیز این مسئله قابل تأمل است. لذا می‌کوشیم مشخص کنیم در این باره ائمه علیهم‌السلام به چه کلماتی استناد کرده‌اند تا بتوانیم بر اساس آن «موضوعیت داشتن» یا «طریقیت داشتن» کاربرد «لفظ»^۹ را در قذف بررسی کنیم.

در روایاتی که درباره قذف وارد شده به «کتابت» به عنوان معیاری برای وقوع قذف هیچ اشاره صریحی وجود ندارد. از این مطلب می‌توان دریافت که اصل در قذف به احتمال قوی صراحت در کاربرد «لفظی» محتوای مضمون یاد شده است؛ روایتی از محمد بن حسن صفار وارد شده که چنین است: «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كُلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَعْزُرُ فِي الْهَجَاءِ وَلَا يَجْلِدُ الْحَدَّ إِلَّا فِي الْفَرِيَةِ الْمُصْرَحَةِ أَنْ يَقُولَ يَا زَانِي أَوْ يَا ابْنَ الزَّانِيَةِ أَوْ لَسْتَ لِأَبِيكَ»؛ حضرت علی وقتی کسی در شعر هجو می‌کرد او را تعزیر می‌نمود اما حد را زمانی می‌زد که فربه آشکار باشد و بگوید یا زانی، یا بگوید ای فرزند زناکار یا بگوید تو فرزند پدرت نیستی»^۱ در این حدیث همان‌طور که مشخص است امام علیه السلام بر قید «لفظ» بودن قذف تأکید دارند. مفید این معنا را از واژه «يقول» که در متن حدیث وارد شده است می‌توان به وضوح دریافت.

نیز نقل است که امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام فرمودند: «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ: يَا مَعْفُوجُ وَايَا مَنكُوحُ فِي دُبُرِهِ، فَإِنَّ عَلَيْهِ الْحَدَّ حَدَّ الْقَازِفِ»؛ «هر گاه مردی به مردی دیگر بگوید: ای لواط‌کننده و ای اُبنه، باید بر او حد قذف (هشتاد تازیانه) زد»^۲ در این روایت نیز به نظر می‌رسد امام علیه السلام بر تحقق قذف از طریق کاربرد «لفظ» تأکید دارند نه صرف «انتساب دادن عمل زنا یا لواط». به همین دلیل به جای استعمال کلماتی که مفید در اصل انتساب عمل باشد، از کلماتی بهره می‌برند که بر

۱. هاشمی، سید محمدامین، «قاعده «التعزیر دون الحد»»، ص ۱۷۸-۲۲۲.

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ص ۲۳۲.

«لفظی» بودن قذف تأکید دارند، حال آنکه می‌توانستند بر کتبی بودن هم اشاره کنند یا به صورت کلی بیانی را در این زمینه عرضه دارند.

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام نقل است که ایشان فرمودند: «إِذَا سُئِلْتَ الْفَاجِرَةَ: مَنْ فَجَّرَ بِكَ؟ فَقَالَتْ: فَلَانٌ، فَإِنَّ عَلَيْهَا حَدَّيْنِ: حَدًّا لُفْجُورِهَا، وَحَدًّا لِفْرِيتِهَا عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ»؛ «هر گاه از زن بدکاره‌ای پرسسی چه کسی با تو زنا کرد و او بگوید: فلانی، باید دو حد بر او جاری کرد؛ یکی برای فسقی که کرده و دیگری برای بهتانی که به مرد مسلمانی زده است»؛^۱ از امام صادق علیه السلام در روایت دیگری نیز نقل است که فرمودند: «فِي رَجُلٍ قَالَ لِلرَّجُلِ: يَا بِنَ الْفَاعِلَةِ؛ يَعْنِي الزَّانَا - فَإِنْ كَانَتْ أُمُّهُ حَيَّةً شَاهِدَةً ثُمَّ جَاءَتْ تَطْلُبُ حَقَّهَا ضَرْبَ ثَمَانِينَ جَلْدَةً، وَإِنْ كَانَتْ غَائِبَةً أَنْتَظِرُ بِهَا حَتَّى تَقْدِمَ فَتَطْلُبُ حَقَّهَا، وَإِنْ كَانَتْ قَدْ مَاتَتْ وَ لَمْ يَعْلَمْ مِنْهَا إِلَّا خَيْرٌ ضَرْبَ الْمُفْتَرِي عَلَيْهَا الْحَدَّ ثَمَانِينَ جَلْدَةً»؛ «درباره حکم مردی که به دیگری بگوید: ای مادر به خطا، یعنی زناکار، فرمود: اگر مادرش زنده و حاضر باشد و برود به قاضی شکایت کند و خواهان احقاق حق خود شود، آن مرد هشتاد تازیانه می‌خورد و اگر غایب باشد، منتظر می‌ماند تا بیاید و حق [عرضی] خود را مطالبه کند و چنانچه مرده باشد و از او جز خوبی (پاکی) مشاهده نشده باشد، تهمت‌زننده را باید هشتاد تازیانه زد».^۲

دقت در روایات وارد شده نشان می‌دهد همگی آنها در کاربرد «لفظ» قذف با یکدیگر توافق دارند. در واقع بررسی‌های پیشینه فقهی اعمال مجازات قذف در اسلام، مخصوصاً در دوره ائمه علیهم السلام، حاکی از آن است که تمامی مصادیقی که برای اجرای حد درباره آن پرسش شده درباره حالتی بوده است که فرد قذف شده، با لفظ خطاب قرار می‌گیرد؛ حتی یک نمونه رویه عملی یا حدیث نداریم که نشان‌دهنده اعمال مجازات قذف در حالتی باشد که محتوای آن به صورت کتبی نوشته شده باشد. لذا می‌توان چنین برداشت کرد که «کاربرد لفظ در قذف کردن موضوعیت دارد نه طریقت». البته شاید این ایراد وارد شود که در زمان ائمه علیهم السلام قذف هر چند به

۱. محمدی ری‌شهری، محمد؛ شیخی، حمیدرضا، میزان الحکمة، ص ۳۱۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، ج ۶، ص ۲۵۱.

صورت کتبی وجود داشته ولی اثبات شدن آن با مشکل روبه‌رو بوده و به همین دلیل نمونه تاریخی که حاکی از اجرای قذف به صورت «کتبی» باشد یافت نمی‌شود و این دلیل بر موضوعیت داشتن کاربرد «لفظ» در قذف نیست و مانع از تحقق حالت «کتبی» نمی‌شود. در پاسخ باید گفت اگر حقیقتاً چنین اتفاقی افتاده باشد و در مرحله اثبات مشکلی وجود داشت، لازم‌اش این بود که درباره کتبی بودن قذف از معصوم می‌پرسیدند، که چنین چیزی به وقوع نپیوسته است. لذا ایراد وارد شده اساساً قوی نخواهد بود.

برخی معتقدند قذف التزامی به کاربرد الفاظ ندارد و به صورت کتبی هم محقق می‌شود. در گنجینه آرای فقهی - قضایی همین مضمون از مراجع پرسیده شده است: «آیا نسبت کتبی زنا به کسی، قذف محسوب می‌شود؟». برخی مراجع، از جمله میرزا جواد تبریزی، سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و ... معتقدند قذف محقق می‌شود. در مقابل، مراجع دیگری همچون خامنه‌ای و همدانی معتقدند حد قذف در صورت کتبی بودن آن جاری نمی‌شود.^۱ در واقع کسانی که معتقدند «کتبی» بودن شرط محسوب نمی‌شود ظاهراً معتقدند ما وحدت ملاک در حرمت ناشی از هتک حرمت مؤمنان را داریم و ابزار نیز تأثیری خارج از اراده ندارد. لذا «کتبی» بودن آن مدخلیتی در اصل قذف ندارد.

در پاسخ به این دیدگاه همین قدر کفایت می‌کند که اگر اصل اجرای قذف به صورت «کتبی» را شارع مقدس تأیید کرده است، فتاوی مختلف در این زمینه بروز نمی‌کرد؛ و اختلافی که در بین فقها وجود دارد خود نشانه نوعی شبهه در حد می‌تواند باشد که با توجه به سلطه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» حداقل نمی‌توان به صورت قطعی قائل به طریقیت داشتن کاربرد «لفظ» در قذف بود و با تکیه بر نداشتن پشتوانه فتوایی در میان قدما^{۱۱} این قول قوت می‌گیرد. زیرا قدما نیز با مسئله قذف به صورت کتبی قطعاً روبه‌رو بوده‌اند و معقول نیست که بگوییم در طول ۱۴۰۰ سال از گذر اسلام تاکنون فقط در عصر حاضر قذف به صورت نوشتاری بروز کرده است. پس اگر حکمی در این زمینه وجود

۱. قدسی، زهرا، «هتک حیثیت و نشر اکاذیب رایانه‌ای»، ص ۱۹-۲۵.

نداشته است به این معنا نیست که واقعه‌ای رخ نداده بلکه به این معنا است که قدما اعتقادی نداشتند که چنین چیزهایی را مصداق جرم حدی بدانند. لذا از نظر عقلی نیز موضوعیت داشتن کاربرد لفظ در قذف تأیید می‌شود.

البته برخی دیگر برای طریقت دانستن «لفظ» در «قذف» تأکیدشان مربوط به حکم فقهی شخصی است که لال بوده و قصد دارد لعان را برگزار کند. از دیدگاه فقهی، اشارات این فرد که مفید سوگند باشد پذیرفتنی است و لعان برقرار می‌شود. لذا معتقدند چون اشاره را شرع تأیید می‌کند پس لفظ نمی‌تواند موضوعیت داشته باشد.^۱

در پاسخ به این دیدگاه باید گفت حکم فرد لال، نوعی حکم وضعی مشخص و در خصوص کسانی است که امکان قذف به نحو دیگری را ندارند؛ ولی مسئله قذف اشخاصی که سلامت جسمی دارند نمی‌تواند به این واسطه تخصیص بخورد و از نمونه‌ای جزئی نتیجه‌ای کلی استخراج شود، که چون فرد لال با اشاره، مفاهیم خود را می‌رساند پس افراد سالم نیز اگر از نوشتار در قذف استفاده کنند قابل مجازات هستند. از نظر منطقی، این نوع نتیجه‌گیری نوعی مغالطه محسوب می‌شود. لذا از اساس باطل خواهد بود.

موضوعیت داشتن زمان در قذف

مقوله دیگری که در خصوص شرایط قذف کمتر به آن توجه شده، مداخلیت و موضوعیت داشتن زمان در قذف است، به این معنا که قذف در بازه زمانی مشخصی می‌تواند صدق توهین کند و بعد از آن دیگر چنین خاصیتی نخواهد داشت. به عبارت بهتر، اگر شخصی در مواجهه با قذف در لحظه‌ای که این اتفاق می‌افتد واکنشی نشان ندهد در حالی که به مضمون آن آگاهی دارد، قذفی از اساس رخ نخواهد داد. زیرا عملاً با سکوت کردن در این زمینه آن فرد پذیرای این محتوای توهین‌آمیز شده و لذا اگر بعد از گذر از آن زمان بخواهد طرح دعوی کند از وی مسموع نخواهد بود.^۲ همچنین،

۱. العینی، ابی محمد بدر الدین محمود بن احمد، *عمدة القاری شرح صحیح بخاری*، ص ۴۵۱؛ الخطیب،

محب الدین؛ عبدالباقی، محمد فؤاد، *الجامع الصحیح للبخاری*، ص ۴۱۲.

۲. حسانی، عبدالصمد، تأثیر زمان و مکان در جرم و مجازات، ص ۴۳-۶۳.

باید در نظر داشت که جرم در یک لحظه رخ می‌دهد. برخی جرائم ماهیتی مستمر دارند، اما قذف جرمی است آنی؛ یعنی در یک لحظه به وقوع می‌پیوندد و نمی‌تواند مستمر باشد.^۱ پس باید زمانی فرد قاذف شمرده شود که در یک لحظه مرتکب این کار شود. به بیان بهتر، در بازه زمانی مشخصی قاذف تصمیم می‌گیرد در حق شخص دیگری قذف کند، و بعد از چند ساعت ممکن است دیگر هرگز چنین قصدی نداشته باشد و بخواهد از آن صرف نظر کند. لذا اگر در این حین حتی الفاظ دال بر ماهیت قذف به کار برود در صورتی که بتواند اثبات کند که دیگر قصد قذف نداشته است و عنصر روانی لازم را با خود به همراه نداشته، مجرم تلقی نمی‌شود و نمی‌توان به وی قاذف گفت. زیرا برای اطلاق جرم به عمل ارتکاب یافته نیازمند عنصر مادی و معنوی خواهیم بود و قذف نیز از جمله جرائم مطلق نیست که با گفتن لفظ، آن هم بدون قصد، امکان اعمال مجازات در آن وجود داشته باشد؛ اما اگر قائل به آن شویم که قذف به صورت کتبی و الکترونیکی قابلیت تحقق دارد به بُعد زمان و موضوعیت آن در صدق عنوان قذف بی‌توجهی کرده‌ایم. زیرا ممکن است فردی متنی با محتوای قذف را بنگارد ولی از تسلیم آن شخصاً به فرد دیگر امتناع کند یا آنکه برگه محتوای قذف را در جایی بگذارد که مقذوف ببیند ولی چند ساعت بعد از این کار منصرف شده باشد و درست در همان زمان که وی از عمل خویش منصرف شده است مقذوف آن محتوا را بخواند و تصور کند که در حق وی قذف شده است. در چنین مواقعی، به دلیل فقدان همراهی بین عنصر مادی و معنوی که ناشی از تغییر زمان است نمی‌توان قائل به قذف شد.

البته شاید این ایراد وارد شود که وقتی فرد محتوا را می‌نگاشته قصد داشته است و همین هم کفایت می‌کند. در پاسخ خواهیم گفت بله درست است که فرد در زمان نگارش این قصد را داشته ولی جرم قذف آنی است و لذا اگر فردی هر دو عنصر مادی و معنوی را در یک زمان نداشته باشد نمی‌تواند قاذف شمرده شود.

۱. اخمعی، محمدرضا، بررسی جرم افتراء، ص ۱۰۲-۱۰۷؛ وفاقی، یوسف، «بحثی پیرامون افتراء و نشر اکاذیب و قذف در قوانین جاری»، ص ۴۷-۶۴.

اثبات قذف

به طور کلی قذف به دو صورت اثبات‌شدنی است؛ شهادت و اقرار طرق اصلی اثبات حد قذف در فقه و قوانین موضوعه است.^۱ اما پرسش اصلی آن است که وقتی از قذف به صورت کتبی یا قذف به طریقه الکترونیکی سخن می‌گوییم شاهد چه صورتی به خود خواهد گرفت؟ به عبارت بهتر، شاهد در داده‌های الکترونیکی به چه کسی اطلاق می‌شود و اساساً آیا سند کتبی یا الکترونیکی را می‌توان به عنوان اقرار مؤثر در اثبات حد قذف دانست یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است طرق اثبات حد را یک‌به‌یک بررسی و نقد کنیم.

اقرار

اقرار در لغت به معنای ثابت کردن کسی را در کاری، اذعان و خلاف انکار آورده شده^۲ و در اصطلاح به فرآیندی گفته می‌شود که در آن شخص می‌پذیرد مرتکب رفتار مشخصی شده است. کسی که مبادرت به اقرار می‌کند در ما نحن فیه آن پذیرفته است که لایق مجازات بوده و قوانین می‌تواند درباره وی به اجرا گذاشته شود، با این تفاوت که در اقرار مربوط به جرائم تعزیری این کار می‌تواند سبب تخفیف مجازات شود ولی در اقرار مربوط به جرائم حدی این عمل به خودی خود نمی‌تواند تخفیفی در مجازات شخص ایجاد کند.

شیوه اقرار از نظر قانونی می‌تواند به هر شکلی باشد که فرد بتواند مفهوم مد نظر خویش را برساند^۳ و در این راه تمسک به طریقه خاصی ملاک نخواهد بود؛ در اقرار به قذف اولین شرط آن است که فرد دو بار به این کار اقرار کند،^{۱۱} اما اقرار کردن در خصوص سند کتبی حاوی ماهیت قذف، محل اختلاف است. زیرا هر چند سندیت برگه یادشده می‌تواند دال بر اقدام برای قذف باشد ولی به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و همچنین مطابق اصول دادرسی عادلانه در اسلام لازم است اقرار در جرائم

۱. رحیمی، سید جعفر، «قذف».

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «اقرار».

۳. زارع شعار، حسین، «حوزه فقه و جزا: اقرار کیفری در حقوق ایران»، ص ۱۶۲-۱۷۵.

حدی در برابر قاضی صورت گیرد.^۱ پس اگر فردی به جرم قذف نزد قاضی اقرار کند ممکن است حد برای این فرد ثابت شود ولی اگر این اقرار نزد قاضی نباشد قذف ثابت نخواهد شد،^۲ ولو آنکه متن کتبی قابل استنادی در زمینه قذف از فرد وجود داشته باشد؛ حتی درباره داده‌های الکترونیکی نیز همین رویکرد قابل اعمال خواهد بود، با این تفاوت که در داده‌های الکترونیکی اگر فرضاً صدای فردی در حین قذف ضبط شده باشد و این صدا در محضر دادگاه پخش شود، نمی‌توان آن را اقرار صریح دانست، حتی اگر تعلق صدا به فرد متهم نیز اثبات شود باز نمی‌توان آن را مصداق بارز اقرار دانست. زیرا این اقرار در برابر قاضی صورت نپذیرفته است، و لذا از طریق اقرار مادامی که فرد به صورت لفظی یا کتبی درباره تأیید سندیت محتوای متن قذفی حرفی نزده باشد قابل اثبات نیست و فرد از مجازات مبرا خواهد بود.

شهادت شهود در قذف

مطابق با روایات، برای آنکه قذف محقق شود لازم است دست‌کم دو نفر شهادت دهند که قاذف در خصوص مقذوف از ادبیات متضمن محتوای قذفی بهره برده است. تنها جایی که ۴ بار شهادت مد نظر قرار گرفته^۳ در بحث لعان است که آن هم حد را بر زن اثبات نمی‌کند، بلکه فقط باعث می‌شود مرد از مجازات قذف رهایی یابد؛ پس به طور کلی دو شاهد در این زمینه کفایت می‌کند،^۴ اما مسئله اصلی آنجا است که: در قذف به شیوه کتبی یا به شیوه الکترونیکی شاهد چه کسی خواهد بود؟

با در نظر گرفتن این واقعیت که وقتی متنی به صورت کتبی نوشته می‌شود شهادت می‌تواند صور مختلفی داشته باشد می‌توان شهود را در قذف نوشتاری شامل یکی از حالت‌های زیر دانست:

۱. اعتضاد بروجردی، محمد، «در باب اقرار»، ص ۳۹-۴۱.
۲. حاجی ده‌آبادی، احمد، «عدم اعتبار اقرار غیرقضایی در امور کیفری»، ص ۱۳-۱۴۰.
۳. شوشتری، علی، «اگر شهود در زنا کمتر از چهار نفر باشند، آیا مورد حد قذف قرار می‌گیرند؟»، ص ۱۶-۱۸.
۴. بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، ج ۵، ص ۳۵۰.

الف. شاهد کسی است که در همان برگه‌ای که محتوای قذف نوشته شده به صورت کتبی، شاهدبودن خود را اعلام کرده باشد.

ب. شاهد کسی است که وقتی قاذف متن حاوی قذف را می‌نگاشته است آن را دیده باشد.

ج. شاهد کسی است که وقتی متن حاوی قذف در اختیار مقذوف قرار می‌گیرد در کنار وی حاضر باشد و هم‌زمان با او آن متن را بخواند.

د. شاهد کسی است که بعد از اطلاع مقذوف از اعمال قذف، متن حاوی قذف را در اختیار دیگری می‌گذارد که از آن محتوا آگاه شود.

در هر یک از فرض‌های یادشده بالاخره شخصی غیر از قاذف از محتوای متن نوشته‌شده آگاهی یافته است، ولی باید دید کدام یک از این حالات می‌تواند در دادگاه مستند واقع شود و حد را ثابت کند.

در حالت «الف»، وقتی می‌تواند شهادت این افراد محل توجه مقام قضایی قرار گیرد که متن حاوی قذف به دست مقذوف رسیده باشد. به عبارت بهتر، همان قیدی که در باب مداخلیت داشتن زمان در خصوص قذف ابراز داشتیم محقق شده باشد. در غیر این صورت، شهادت این افراد باطل محسوب می‌شود و نمی‌تواند محل استناد واقع شود.

در حالت «ب»، همانند حالت الف در صورت وجود باقی شرایط حد می‌تواند قابل اثبات باشد.

در حالت «ج»، زمانی می‌توان شهادت این افراد را صحیح دانست که در معین‌بودن شخص مقذوف تردیدی وجود نداشته باشد، به این مضمون که اگر در برگه‌ای که از طرف قاذف نگاشته شده اسم شخصی برده نشده باشد یا ضمیر یا مطلبی که انتساب قذف را به شخصی که برگه در اختیار وی قرار می‌گیرد به اثبات نرساند این افراد نمی‌توانند شهادت دهند.^۱ زیرا در معین‌بودن تردید خواهند داشت، به این دلیل که اگر این برگه در اختیار هر فردی قرار گیرد مانند آن است که آن شخص از ابتدا هدف قذف بوده و نه شخص دیگری؛ و به دلیل نامتعین‌بودن مقذوف نمی‌توان شهادت را درست دانست.

۱. دفتر بررسی‌های حقوقی مجلس، دو مقاله: طرح مجازات اسلامی در بوته نقد، ص ۲۰۵-۲۲۰.

درباره حالت «د» به نظر می‌رسد هرگز نمی‌تواند به عنوان شاهد قلمداد شود. زیرا پذیرش این حالت با دو مسئله تناقض دارد؛ نخست آنکه، همان‌طور که گفتیم، عنصر زمان علاوه بر آنکه در اثبات قذف موضوعیت دارد، در خصوص شرط شهادت نیز موضوعیت دارد. به عبارت بهتر، زمانی فرد می‌تواند در خصوص قذف شهادت دهد که قبل یا حین وقوع یک حادثه آن را تحمل کرده باشد^۱ و در فرض موجود جرم به اتمام رسیده است و فرد فقط از نتایج جرم آگاه می‌شود و زمانی که جرم محقق می‌شده، یعنی زمانی که فرد قذف می‌شده است، اصلاً ملتفت نبوده است که چنین واقعی رخ داده؛ و لذا از اساس شاهد محسوب نمی‌شود. نکته دوم آنکه، اگر بپذیریم فرد می‌تواند بعد از آنکه از محتوای قذف آگاه شد با در اختیار داشتن متن و نشان دادن آن به دیگران برای خود شاهد جمع کند باید این را نیز بپذیریم که در هر جای دیگری نیز وقتی شهود در صحنه جرم نباشند ولی مجنی‌علیه درباره آن قضیه اطلاعاتی به شخص ثالثی برساند وی نیز بتواند شاهد محسوب شود که بطلان این نظر بر کسی پوشیده نیست. لذا در این نوع از شهادت نمی‌توان قذف را به اثبات رسانید.

شهادت بر داده‌های الکترونیکی

پیش‌تر گفته شد که ۴ طریقه برای توسعه داده‌های الکترونیک^{۱۲} مد نظر است. صرف نظر از نوشتار الکترونیکی که دشواری‌های آن با قذف به شیوه کتبی تقریباً یکسان می‌نماید دو مقوله بسیار مهم در این باره وجود خواهد داشت که معطوف به قذف به طریقه آنلاین و قذف از طریق داده‌های الکترونیکی ضبط شده است که به تفصیل هر یک را بررسی می‌کنیم.

داده‌های الکترونیکی آنلاین

این دسته از داده‌ها شامل ارتباطاتی است که در فضای مجازی و به دو صورت صوتی و تصویری قابل تحقق است.^۲ در هر یک از این صور با در نظر گرفتن مخاطب

۱. محسنی دهکلانی، محمد؛ و دیگران، «واکاوی برخی شروط اختصاصی شهادت بر زنا اشترط اتصال شهادت و اشترط رؤیت به نحو مخصوص»، ص ۲۱۷-۲۴۶.

2. Krotoski, Mark; Passwaters, Jeson, "Using Log Record Analysis to Show Internet and

خاص می‌تواند قذف رخ دهد. از این نظر، اتفاقات رخ داده با قذف در شرایط محیطی عادی تفاوت چشمگیری نخواهد داشت و به صرف ارتباط از طریق فضای سایبری نمی‌توان منکر قذف صورت گرفته از سوی قاذف شد، مخصوصاً آنکه در این نوع از ارتباط هویت افراد کاملاً قابل شناسایی است و جای شبهه در خصوص شخص مقذوف یا قاذف کمتر خواهد بود؛ درباره شیوه اثبات قذف در این مقطع نیز همانند قذف خارج از فضای مجازی مقررات موجود اعمال می‌شود.

داده‌های الکترونیکی ضبط‌شده

این دسته از داده‌ها که در قالب فایل‌های صوتی و تصویری از پیش تهیه شده ممکن است استفاده شود با مشکلات عدیده‌ای در انتساب‌دهی، اثبات قذف و مقررات مربوط به شهادت روبه‌رو خواهد بود.^۱ زیرا وقتی اثری ضبط می‌شود اگر قاذف نام شخص مقذوف را نبرده باشد یا قرینه‌ای در بیانش وجود نداشته باشد که بتواند بین مقذوف و دیگر اشخاص تمییز قائل شد قطعاً اولین قیدی که برای تحقق قذف باید به آن توجه شود حاصل نمی‌شود. زیرا تا زمانی که فرد معین نباشد قذف رخ نمی‌دهد و اگر مخاطب شخص قاذف گروهی از افراد باشند با در نظر گرفتن علم اجمالی در خصوص اصل حصول قذف شاید بتوان آن را مصداق بارزی از قذف دانست، ولی قبل از آن باید بتوان شبهه قابلیت مونتاژکردن و میکس و صداگذاری را، که امروزه در خصوص فایل‌های صوتی و تصویری ضبط‌شده، عادی تلقی می‌شود، برطرف کرد؛ چه در غیر این صورت با توجه به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات»^۲ دیگر نمی‌توان به اعتبار چنین داده‌هایی علیه قاذف طرح دعوی کرد و تقاضای برقراری عدالت داشت. البته این بدان معنا نیست که فرد فارغ از مجازات است ولی مجازات حدی نخواهد داشت و مجازات تعزیری به قوت خود باقی خواهد ماند.

مشکل دیگری که در استناد به این داده‌ها پیش می‌آید مربوط به نحوه ارسال و

Computer Activity in Criminal Cases", pp. 1-15.

1. Jarrett, H. Marshall, "Obtaining and Admitting Electronic Evidence", pp. 16-72.

۲. حمود السهلی، صقر زید، قاعدة درء الحدود بالشبهات و تطبیقها فی المملكة العربية السعودية، ص ۵۰-۶۲.

دریافت آن است، با این توضیح که شاید قاذف فایلی را با محتوای متن قذف علیه شخصی فراهم کرده باشد اما این فرد قبل از ارسال کردن از آن منصرف شود یا اصلاً فایل را شخص دیگری برای شخص مقذوف ارسال کند، یا آنکه فایلی برای مقذوف ارسال شده باشد ولی پیش از آنکه این شخص آن فایل را گوش دهد یا آن را ببیند شخص دیگری آن را از قبل پخش کرده باشد و بعد از ورود این شخص برای اطلاع رسانی از محتوای فایل دریافتی آن را به وی نشان دهد. در چنین صورت‌هایی هرچند قذف رخ خواهد داد ولی به عقیده نگارنده به دلیل ورود شخص ثالث در اصل فرآیند قذف کردن، نمی‌توان به حد متوسل شد. زیرا این شبهه وجود دارد که چه کسی حقیقتاً مرتکب قذف شده است و آیا انتقال محتوای قذف می‌تواند سبب تغییر ماهیت قذف گردد یا خیر. این مسئله زمانی بیشتر با شبهه روبه‌رو می‌شود که فرد برای ارسال محتوای قذف به شخص دیگری از چند واسطه بهره‌بردارد که در این صورت محتوای با مضمون قذف در دست چندین شخص جابه‌جا شده و همین باعث می‌شود بین قاذف و مقذوف فاصله و توالی رخ دهد که در همه این شرایط با اطلاق قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» امکان اجرای قذف وجود نخواهد داشت.^۱ زیرا در گذشته، اشخاص مختلف به این نحو قدرت انتقال قذف را نداشته‌اند.^۲ لذا اگر شخصی مقذوف واقع شود واسطه‌ای در این میان حضور نداشته است تا بتوان وی را نیز مشمول عنوان خاصی دانست. پس در اصل این فرآیند خدشه شدیدی وارد است که عمل به حد را با اشکال جدی مواجه می‌کند.

نمونه دیگر مربوط به زمانی است که محتوای قذف بعد از آنکه به دست مقذوف رسید، نیازمند شهادت شهود برای طرح در محضر قاضی باشد. در این صورت شاهد اصالتاً چه کسی خواهد بود؟ مطابق با آنچه در بخش قبلی و درباره داده‌های کتبی گفتیم تقسیم‌بندی مشابهی در این میان وجود خواهد داشت، اما نکته اصلی آنجا است که

۱. استادی، رضا، «قلمرو قاعده درء (۲)»، ص ۷۱-۹۴.

۲. محمدیان امیری، مهدی، «سیره‌شناسی پیامبر اعظم ﷺ: تحلیل و بررسی بحث حدود»، ص ۱۸۳-

برخی از انواع فایل‌های صوتی و تصویری به نحوی تنظیم می‌شوند که بعد از دریافت به خودی خود از بین خواهند رفت و در چنین مواقعی شهادت بر فیلم یا صوت ضبط‌شده دیگر امکان‌پذیر نیست؛ و مهم‌تر از آن اینکه از اساس هنوز در قوانین ما شهادت دادن بر روی فیلم‌ها و نوارهای صوتی به رسمیت شناخته نشده است و از داده‌هایی از این دست فقط به عنوان اماره قضایی استفاده می‌کنند. لذا مبنای حکم قاضی در چنین مواقعی یا علم است یا استناد به مجموع امارات، ولی در خصوص قذف با در نظر گرفتن مشخص بودن طرق اثباتی آن و حذف حائلی به نام علم قاضی به طور کلی شهادت دادن در این باره منتفی است و تنها راه اثبات قذف از طریق اقرار خواهد بود^۱ که برای به رسمیت شناخته شدن اقرار نیز مقوله الکترونیکی بودن داده‌ها هیچ تأثیری در اصل فرآیند موصوف نخواهد داشت.

مجازات قذف

قذف جرمی حدی است که مجازات آن در کلام‌الله مجید معادل ۸۰ ضربه شلاق دانسته شده است. همین دیدگاه در روایات نیز محل توجه بوده^۲ و قانون‌گذار نیز به تأسی از مضامین فقهی و روایی ۸۰ ضربه شلاق را در ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته است. قوانین جزایی جمهوری اسلامی، که برخاسته از فقه امامیه است، طبق روایات و آرای فقهای شیعه قذف پدر را موجب حدّ او نمی‌داند. تبصره ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی می‌گوید اگر پدر یا جدّ پدری فرزند را قذف کند تعزیر می‌شود.

اما فقهای اهل سنت دیدگاه‌های متفاوتی دارند. حنفی و حنبلی و شافعی می‌گویند «اذا قذف ولده و ان تنزل لم یجب الحدّ علیه سواء كان القاذف رجلاً او امرأه»^۳ هر گاه فرزند خود را قذف کند حدّ بر او واجب نمی‌شود چه اینکه قاذف مرد باشد (پدر) یا زن

۱. منتهای، عباس، «بحثی در قاعده اقرار العقلاء از دیدگاه فقه و حقوق»، ص ۴۶-۸۴.

۲. بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.

۳. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، المغنی، ص ۱۴۰-۲۱۹.

(مادر)». اما مالک می گوید «یجب علیه الحدّ لعموم الایة و لانه حدّ فلا تمنع من وجوبه قرابه الولاده کالزنا؛^۱ حدّ بر قاذف در حق فرزند خود واجب است، به دلیل عموم آیه مربوط به قذف که فرقی میان قاذف نسبی و اجنبی نمی گذارد. پس قرابت ولادتی مانع از اجرای حکم قذف درباره والدین نیست، چنان که اگر زنایی هم واقع شود قرابت مانع از اجرای حکم آن نمی شود». قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۱۴۹ می گوید هر گاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حدّ می شوند و در تبصره آن ماده، پدر را منها می کند و می گوید اگر پدر یا جدّ پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود.

آنچه ذکر شد درباره قاذف بالغ، اعم از خویش و بیگانه، بود، اما قاذف نابالغ هر چند از نظر تکلیف و نداشتن مسئولیت کیفری حدّ بر او جاری نمی شود، از نظر زشتی گفتار و تجربی به حرمت دیگران مستحق تعزیر است؛ چنان که محقق می گوید: «فلو قذف الصّبی لم یحدّ و عزّ؛^۲ هر گاه کودکی کسی را قذف کند حدّ او زده نمی شود اما تعزیر می گردد». ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز می گوید هر گاه نابالغ ممیز، کسی را قذف کند، به نظر حاکم تأدیب می شود.

مجازات قذف زمانی تشدید می شود که فرد به صورت غیرمستقیم شخصی را قذف کرده باشد که قذف برادر، خواهر، همسر، پدر یا مادر وی محسوب شود که در این صورت اگر آن فرد از این اتفاق ایذاء شده باشد، علاوه بر مجازات حدی، مجازات شلاق تعزیری ۳۳ تا ۷۴ ضربه شلاق برای وی در نظر گرفته خواهد شد.

سقوط حد قذف

تحت شرایطی حد قذف ساقط می شود که به تصریح قانون گذار ۵ شرط است: مقذوف، ماهیت قذف را تصدیق کند؛ اثبات شدن محتوای نسبت داده شده با شهادت یا

۱. همان.

۲. الحلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴، به نقل از: بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.

علم قاضی؛^{۱۳} گذشت از قذف؛^{۱۴} انجام لعان در قذف زوجه؛ قذف طرفینی که در آن دو شخص همدیگر را قذف کرده باشند.^۲

علاوه بر این پنج تا، دو حالت دیگر نیز وجود دارد که مجازات قذف ساقط می‌شود: ۱. فقدان تعادل ذهنی در حین قذف که در ماده ۲۶۳ به برخی از مصادیق آن مانند اکراه، غفلت، سهو، مستی، غضب، سبق لسان، یا توجه‌نداشتن به معانی کلمات و نقل قول‌ها اشاره شده است؛ ۲. وقتی قاذف، پدر یا جد پدری فرد باشد^۳ که در این صورت نیز مجازات قذف ساقط خواهد شد.

نتیجه

بعد از بررسی‌های به عمل آمده، این نتیجه به دست می‌آید که با در نظر گرفتن شرایطی که برای قذف کردن وجود دارد (از جمله: مداخلیت مضامینی مانند موضوعیت داشتن «کاربرد لفظ» در قذف، موضوعیت داشتن زمان در قذف) به طور کلی نمی‌توان قائل بر ظهور قذف به صورت کتبی بود؛ و از این منظر قانون مجازات اسلامی بدون آنکه هر نوع پیش‌زمینه فقهی در این باره داشته باشد مبادرت به توسعه در حدود کرده است که این مسئله محل بحث جدی است؛ و با فرض آنکه بپذیریم قذف به صورت کتبی و الکترونیکی قابل تحقق است مشکلات عدیده‌ای در اثبات آن خواهیم داشت. به عبارت بهتر، اثبات قذف از دو صورت خارج نیست؛ یا مبتنی بر اقرار است یا شهادت شهود؛ در خصوص مقوله اول و لزوم پذیرش اقرار نزد قاضی به عنوان دلیل برای اثبات حدود، عملاً کتبی بودن قذف نمی‌تواند محل بحث باشد و اگر کتبی هم نبود و شخص قاذف بدان اقرار می‌کرد باز هم اثبات حد قابل تحقق بود؛ و تنها تفاوت موجود در این زمینه آن است که قذف به صورت کتبی به دلیل پراکنده شدن در زمان

۱. بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶؛ صادقی، محمدهادی،

«فضازدایی در حقوق جزای اسلامی»، ص ۱۴۷-۱۶۸.

۲. پاک‌نهاد، امیر، «عذر تحریک؛ مبانی و آثار مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلستان»، ص ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸.

۳. مجیدی، سید محمود، «نقد و بررسی سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در زمینه شرب خمر و

قذف»، ص ۳۹-۴۱.

وقوع جرم، نمی‌تواند جزء عنصر مادی جرم قرار گیرد و به همین علت فرد قاذف راه‌های بیشتری برای تحمل نکردن مجازات خواهد داشت؛ در خصوص شهادت شهود نیز ما قائل به ۴ حالت بودیم که از این میان فقط شهادتی پذیرفتنی دانسته شده که استناد بزه را در حین ارتکاب بتواند شهادت دهد و همه شرایط دیگر را نیز در نظر گرفته باشد که چنین چیزی عملاً به دلیل فقدان علم شاهد در گستره فضای مجازی، مخصوصاً در ارتباطات غیرآنلاین، عمدتاً تحقق‌پذیر نیست. لذا قذف به این طریق نیز اثبات‌شدنی نیست.

در داده‌های الکترونیکی نیز قذف عملاً اثبات‌پذیر نخواهد بود. زیرا پذیرش شهادت از روی داده‌های الکترونیکی در قانون هنوز به رسمیت شناخته نشده و آنچه امروزه دادگاه‌ها به آن استناد می‌کنند قابلیت شهادت از طریق دستگاه‌های الکترونیکی است نه شهادت دادن بر نوارها یا فایل‌هایی که به عنوان داده الکترونیکی به آن استناد می‌شود. ایراد دیگری نیز در کاربرد داده‌های الکترونیکی در جرم قذف مطرح می‌شود و آن مربوط به قابلیت مونتاز، صداگذاری و میکس این دسته از داده‌ها خواهد بود که عملاً به دلیل بروز شبهه قوی در این زمینه با توجه به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» نمی‌توان حد را جاری و ساری دانست. لذا بایسته است قانون‌گذار محترم در بازبینی قانون مجازات اسلامی، تبصره ماده ۲۴۶ را که به مبحث قذف افزوده و پیشینه اسلامی مشخصی نیز ندارد حذف کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. صدر معانی اصطلاحی دیگری را نیز ذکر می‌کند، از جمله: قذف در اصطلاح عبارت است از طعنه از عدالت فرد عادل که برای شهادت حاضر می‌شود؛ یا عملی که غسل را واجب می‌کند (صدر، محمد، *ماوراء الفقه*، ص ۲۸۴).

۲. در سایر ادیان الهی نیز به مسئله قذف به تفصیل پرداخته شده است. برای مطالعه تطبیقی در این باره، نک: بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «گزیده‌ای از طرح آیات الاحکام جزایی قرآن مجید»، ص ۱-۱۴.

۳. ماده ۲۵۹: پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه

شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

۴. بند ۲۶۱: «هر گاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آنها همانند، خواه مختلف باشد»، باشد»، از عوامل سقوط حد قذف دانسته شده است.

۵. طبق بند ۲۶۱: «هر گاه مردی زنش را پس از قذف به زنا یا پیش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند؛ در همین باره در آیه ۶ از سوره نور آمده است: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَكَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ»؛ «کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند و جز خودشان گواهی (دیگر) ندارند هر یک از آنان (باید) چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راست‌گویان است». این مسئله که در اسلام حکم فقهی خاص نفی ولد، حرام موبدشدن زوجه، نفی ارث‌بری و ... را نیز با خود به همراه دارد از جمله مهم‌ترین مصادیقی است که قذف بیشتر در آن نمود پیدا می‌کند. برای مطالعه بیشتر در این باره نک: حسینی بهارنچی، ملیحه سادات؛ صالحی مازندرانی، محمد، «آثار فقهی رجوع از لعان در نفی ولد»، ص ۱۴۳-۱۵۴؛ صالحی حاجی ده‌آبادی، احمد، «لعان»، ص ۱۳۳-۱۴۰.

۶. برخی از فقهای اهل تسنن در فروع این مقوله اختلافات شدید دارند. البته در اینکه قاذف باید عاقل و بالغ و مختار باشد اتفاق نظر وجود دارد ولی در فروع دیگر اختلاف هست. مثلاً حنفیه معتقد است قذف باید در ملک مسلمانان رخ داده باشد. پس اگر به مسلمانی در کشوری که اهل آن کافرند نسبت ناروا داده شود حدی وجود ندارد. همچنین گوینده باید ناطق باشد و بتواند تکلم کند. پس بر اُخرس یا شخصی که لال باشد یا با ایما و اشاره منظور را رسانده باشد حد وارد نمی‌شود. شافعیه نیز معتقدند قاذف باید التزام به رعایت احکام اسلامی داشته باشد. پس فرد کافر اگر قذف کند حد بر وی جاری نمی‌شود. درباره داشتن علم و اطلاع نیز شافعیه آن را شرط می‌داند، ولی حنفیه قول به احتمال این شرط دارد. مالکیه، شافعیه و حنفیه حد قذف را در صورتی که پدر یا فرزند آن را علیه یکدیگر به کار برده باشند ثابت نمی‌دانند؛ برای مطالعه بیشتر در این باره نک: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويتية، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۳، ص ۳۱۳-۳۳۰.

۷. درباره قذف در زمان عصیانیت، قانون فقط در خصوص جرم سب‌النبی به آن اشاره کرده است. در این حالت فرد از مجازات حدی معاف دانسته شده اما به دلیل ملاک یکسان در قذف، ما آن را به سایر حالات نیز تسری می‌دهیم. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: زراعت، عباس، «بررسی فقهی و حقوقی جرم سب‌النبی»، ص ۷۵-۱۰۴.

۸. و یشرط فیہ الاعصان و هو هنا عبارة عن البلوغ و کمال العقل و الحرية و الاسلام و العفة فمن استكملها و جب بقذفه الحد و من فقدھا او بعضها فلا حد و فیہ التعزیر؛ الحلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵، به نقل

- از: بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، ص ۲۹-۴۶.
۹. هر جا کاربرد لفظ «قذف» در این مقطع وارد شده به معنای استعمال کلماتی مانند «قال»، «یقال» و ... است که ظهور در بیان دارد نه نوشتار.
۱۰. منظور آن دسته از فقهای است که در صدر اسلام بوده‌اند. از نظر تاریخ فقهی، معمولاً قبل از شیخ طوسی را جزء قدما محسوب می‌کنند اما در این نوشتار منظور از قدما هر فقهی است که در عصر حاضر صاحب فتوا نبوده و در ایام گذشته می‌زیسته است.
۱۱. طبق ماده ۱۷۲: در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است: الف: ... «ب. دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد».
۱۲. در حال حاضر بخش دادرسی الکترونیک که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قرار دارد مقررات چگونگی استفاده از ابزارهای دیجیتال برای اقرار و شهادت در دادگاه را تعیین کرده و درباره شهادت بر داده الکترونیکی مطلبی نیآورده است. فقط تأکید دارد که باید داده‌ها قابل انتساب باشند تا قاضی بتواند آنها را در ردیف ادله جای دهد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: خالقی، ۱۳۹۴، به نقل از: <http://hoogogblogfa.com>.
۱۳. مثلاً به شخصی تهمت زنا زده شده و این عمل بعداً با علم قاضی اثبات شود.
۱۴. از ناحیه خود شخص یا ورثه آن فرد در صورتی که فوت کرده باشد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: نشر اسوه، چاپ پنجم.
- ابن عبد الله الحنبلی، ابو إسحاق برهان الدین بن محمد (۲۰۰۰). *المبدع فی شرح المفتح*، المکتب الاسلامی علی شبکه اسلام ویب.
- ابن قدامه، عبدالله ابن احمد ابن محمد (۱۹۸۵/۱۴۰۵). *المغنی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- استادی، رضا (۱۳۸۳). «قلمرو قاعده درء (۲)»، در: *فقه اهل بیت*، ش ۳۷، ص ۷۱-۹۴.
- اعتضاد بروجردی، محمد (۱۳۳۱). «در باب اقرار»، در: *کانون وکلاء*، ش ۲۷، ص ۳۹-۴۱.
- افخمی، محمدرضا (۱۳۷۵). بررسی جرم افتراء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، استاد راهنما: حسن مرعشی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- بطحایی گلپایگانی، سید هاشم (۱۳۸۲). «قذف از دیدگاه کتاب و سنت»، در: *اندیشه‌های حقوقی*، ش ۳، ص ۲۹-۴۶.
- بطحایی گلپایگانی، سید هاشم (۱۳۸۳ الف). «بزه‌های کیفردار از نظر قرآن مجید»، در: *حقوق خصوصی*، ش ۶، ص ۵۳-۷۰.
- بطحایی گلپایگانی، سید هاشم (۱۳۸۳ ب). «گزیده‌ای از طرح آیات الاحکام جزایی قرآن مجید»، در: *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران*، ش ۶۴، ص ۱-۱۴.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶). *جامع المسائل*، قم: دفتر معظم له، چاپ دوم، ج ۵.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۵). «عذر تحریک؛ مبانی و آثار مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلستان»، در: *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۴، ص ۹۹-۱۳۰.
- الجنکی الشنقیطی، محمد الأمين بن محمد بن المختار (۱۹۹۵). *أضواء البیان فی إيضاح القرآن بالقرآن*، بیروت: دار الفکر.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۲). «عدم اعتبار اقرار غیرقضایی در امور کیفری»، در: *حقوق اسلامی*، س ۱۰، ش ۳۹، ص ۱۳۳-۱۴۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران: چاپ سنگی، ج ۲۸.
- حسانی، عبدالصمد (۱۳۷۸). تأثیر زمان و مکان در جرم و مجازات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما: رضا نوربها، استاد مشاور: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

حسینی، علی اکبر (۱۳۵۹). «حد قذف ترور شخص یا ترور شخصیت»، در: *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۲۰، ص ۳، ص ۵۶-۶۰.

حسینی بهارانچی، ملیحه سادات؛ صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۳). «آثار فقهی رجوع از لعان در نفی ولد»، در: *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، دوره ۱۹، ش ۶۱، ص ۱۴۳-۱۵۴.

حمود السهلی، صقر زید (۱۹۹۴/۱۴۱۴). *قاعدة درء الحدود بالشبهات و تطبیقها فی المملكة العربية السعودية*، رسالة مقدمة استكمالاً لمتطلبات نيل درالماجستير فی مکافة الجريمة، المركز العربی للدراسات الامنية والتدريب المعهد العالی للعلوم الامنية.

حیدریان، محمدرضا (۱۳۹۰). «آیات الاحکام (بخش جزا)»، در: *ددرسی*، ش ۱۵، ص ۸۶، ص ۳۴-۳۸. الخطیب، محب الدین؛ عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۴۰۰). *الجامع الصحیح للبخاری*، القاهرة: المكتبة السلفية، ج ۳.

دفتر پژوهش‌های حقوقی مجلس (۱۳۷۷). «دو مقاله: طرح مجازات اسلامی در بوته نقد»، در: *مجلس و راهبرد*، ش ۲۵، ص ۲۰۵-۲۲۰.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفرية، ج ۳.

رحیمی، سید جعفر (۱۳۹۳/۸/۲۴). «قذف»، در: <http://pajoohe.ir>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۶/۲۸.

زارع شعار، حسین (۱۳۸۶). «حوزه فقه و جزا: اقرار کیفری در حقوق ایران»، در: *فقه و مبانی حقوق*، ش ۷، ص ۱۷۵-۱۸۲.

زراعت، عباس (۱۳۸۱). «بررسی فقهی و حقوقی جرم سب‌النبی»، در: *مطالعات اسلامی*، ش ۵۷، ص ۷۵-۱۰۴.

سعادت، صالح (۱۳۹۰). «نگاهی نو به لعان»، در: *فقه اهل بیت*، ش ۶۶-۶۷، ص ۲۵۰-۲۷۳.

شوشتری، علی (۱۳۸۳). «اگر شهود در زنا کمتر از چهار نفر باشند، آیا مورد حد قذف قرار می‌گیرند؟»، در: *ددرسی*، ش ۴۳، ص ۱۶-۱۸.

صادقی، محمدهادی (۱۳۸۴). «قضایایی در حقوق جزای اسلامی»، در: *الاهیات و حقوق*، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۴۷-۱۶۸.

صالحی حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). «لعان»، در: *پورتابل اهل‌البیت*، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۰/۴/۲، در: <http://ahlolbait.com>

صباغی دهکلانی، داوود (۱۳۹۴). *بررسی مبانی فقهی تغییرات ناظر به بزه قذف در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، استاد راهنما: محمد نودری فردوسی، قم: دانشگاه قم.

بررسی و نقد حد قذف در داده‌های الکترونیکی از دیدگاه مذاهب خمس / ۱۲۳

- صدر، محمد (۱۴۲۷). *ماوراء الفقه*، قم: دار المحبین، الطبعة الثالثة، ج ۹.
- الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۳). *الاستبصار*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، نسخه مجموعی ج ۱-۴.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *المعجم الفقہی لکتب الشیخ الطوسی*، قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۲.
- عاملی (شهید اول)، محمد ابن مکی (۱۳۸۸). *لمعة دمشقیة*، ترجمه: محمد شیروانی، قم: دار الفکر، ج ۲.
- عاملی، یاسین عیسی (۱۳۶۸). *الاصطلاحات فی الرسائل العلمیة*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبدالجلیل، عیسی (۱۳۹۵). «مصاید الشیطان الثمانیة التي قذف بها ضعاف الایمان فی قاع جهنم!»، در: *الوعی الاسلامی*، العدد ۱۲۷، ص ۴۰-۴۵.
- عثمان، آمال عبدالرحیم (۱۹۶۸). «جریمة القذف»، *القانون والاقتصاد*، العدد ۴، ص ۷۳۷-۸۴۸.
- العینی، ابی محمد بدر الدین محمود بن احمد (۱۴۲۱). *عمدة القاری شرح صحیح بخاری* (جلد العشرون)، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۲). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة: الحدود*، قم: مرکز فقه الائمة الاطهار علیهم السلام.
- قدسی، زهرا (۱۳۹۰). «هتک حیثیت و نشر اکاذیب رایانه‌ای»، در: *ماهنامه دادگستر*، ش ۴۳، ص ۱۹-۲۵.
- قرطبی، محمد ابن احمد (۱۴۰۹). *الجامع الاحکام القرآن*، قاهره: دار الکتب المصریة، الطبعة الثانیة، الجزء الاول.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۴). *اصول الکافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۶.
- کوهی، بهزاد (۱۳۹۲). مقایسه حدود سرقت، زنا و قذف در قرآن و عهد قدیم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: داوود کمیجانی، تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- مجیدی، سید محمود (۱۳۸۵). «نقد و بررسی سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در زمینه شرب خمر و قذف»، در: *دادرسی*، ش ۵۵، ص ۳۹-۴۱.
- محسنی دهکلانی، محمد؛ قبولی درافشان، محمدتقی؛ حائری، محمدحسن (۱۳۹۰). «واکاوی برخی شروط اختصاصی شهادت بر زنا اشتراط اتصال شهادات و اشتراط رؤیت به نحو مخصوص»، در: *فقه و اصول*، ش ۸۷، ص ۲۱۷-۲۴۶.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). *میزان الحکمة*، قم: دار الحدیث، ج ۷.

محمدی ری شهری، محمد؛ شیخی، حمیدرضا (۱۳۸۶). *میزان الحکمة*، قم: دار الحدیث، ج ۹. محمدیان امیری، مهدی (۱۳۸۶). «سیره‌شناسی پیامبر اعظم ﷺ: تحلیل و بررسی بحث حدود»، در: *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ش ۷، ص ۱۸۳-۲۰۶.

مرادزاده، احسان (۱۳۹۳). *بررسی فقهی و حقوقی نظرات غیرمشهور فقها در باب حدود و قصاص*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، استاد راهنما: جمشید معصومی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

معین، محمد (۱۳۵۴). *فرهنگ معین*، تهران: انتشارات امیرکبیر، دوره تک‌جلدی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). *تفسیر نمونه*، قم: دار الکتب الاسلامیه، در: <http://makarem.ir>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۲۸.

منتهاهی، عباس (۱۳۸۹). «بحثی در قاعده اقرار العقلاء از دیدگاه فقه و حقوق»، در: *ماه‌نامه کانون وکلا*، ص ۴۶-۸۴.

وزارة الأوقاف والشئون الاسلامیة الكويتیة (بی‌تا). *الموسوعة الفقهیة الكويتیة*، ج ۳۳، *يمكن الوصول اليه* <https://goo.gl/fNZHlu> فی:

وفاقی، یوسف (۱۳۷۲). «بحثی پیرامون افترا و نشر اکاذیب و کذب در قوانین جاری»، در: *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸، ص ۴۷-۶۴.

هاشمی، سید محمدامین (۱۳۸۸). «قاعده «التعزیر دون الحد»»، در: *فقه اهل البيت (علیهم‌السلام)*، دوره ۱۵، ش ۵۷، ص ۱۷۸-۲۲۲.

Jarrett, H. Marshall (2011). "Obtaining and Admitting Electronic Evidence", in: *The United States Attorneys' Bulletin*, vol. 59, no. 6, pp. 1-78.

Krotoski, Mark; Passwaters, Jerson (2011). "Using Log Record Analysis to Show Internet and Computer Activity in Criminal Cases", in: *United States Attorneys' Bulletin*, pp. 1-15.

<http://www.ebadalrehman.com/t1580-topic>

<http://hoogog.blogfa.com>.